

ادراک معنوی حاصل از فضای مذهبی کلیساهای قرون وسطی در غرب

مریم محسنی مقدم

کارشناس ارشد معماری، دانشگاه آزاد مشهد

maryam.mohseni.m@gmail.com

چکیده

کلیساهای قرون وسطایی در غرب فضای مذهبی و عبادی مسیحیان، دارای عظمت خاصی است و همواره به عنوان یک بنای شاخص شهری مورد توجه قرار گرفته است. فضای داخلی کلیساها نیز با عناصر به کار گرفته شده در آن‌ها دارای ویژگی‌های منحصر به فردی بوده که آن را به مکانی مقدس برای عبادت مسیحیان در طول قرن‌ها تبدیل کرده است. فرضیه پژوهش بر این امر استوار است که عناصر معمارانه به کار گرفته شده در طراحی یک فضای مذهبی، هنگامی که در راستای پشتوانه‌های اعتقادی و دینی مرتبط با آن بنا پیش می‌رود، موفق عمل می‌کند و زمانی که عوامل سیاسی و تجمل و تزیینات، وجه غالب بر بنا می‌شود قادر به ایجاد فضایی روحانی و معنوی برای افراد نیایشگر وارد شده در آن فضا نیست. هدف از این تحقیق بررسی و واکاوی تأثیرات معنوی و عرفانی عناصر معماری و آیین‌های عبادی مسیحیان در کلیساهای غربی با توجه به مشاهدات میدانی و ادراک محیطی و بسط موضوع با مطالعه و تحقیق در متون مرتبط است. نحوه به دست آوردن اطلاعات برای پیشبرد این تحقیق برداشت‌های میدانی در کلیساهای غرب در طول سفر علمی-پژوهشی به کشورهای فرانسه و ایتالیا و تجزیه و تحلیل یافته‌ها، مطالعات کتابخانه‌ای و جمع‌آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه از افرادی است که کلیساهای اروپا را از نزدیک مشاهده کرده‌اند. حاصل این مقاله دیدگاه انسان شرقی است که برای اولین بار در فضای کلیساهای غرب قرار گرفته و ادراک محیطی و احساس معنوی و روحانی خویش را از یک فضای مذهبی مسیحی بیان می‌کند.

واژگان کلیدی

کلیساهای غربی، معنویت، مسیحیت، عناصر معماری، ادراک محیطی.

مقدمه

کلیساهای غربی متعلق به قرون وسطی ساختمان‌هایی دارای ابهت و عظمت است و در بافت شهری آن دوران به صورت کاملاً برجسته‌ای از دیگر ساختمان‌ها متمایز بوده‌است. این عظمت‌گرایی در ساختار کالبدی یک بنا نشان‌دهنده تسلط آن بنا با عملکرد مورد نظر بر جامعه است. در آن دوران دین و مذهب بر جامعه غربی حکمفرما بوده و در لایه‌های بالاتر آن سیاست‌مداران آن دوران در سایه مذهب بر مردم سلطه داشته‌اند. بنابراین این سلطه‌گرایی گاهی در کلیسا بروز و نمودی پیدا کرده که عملکرد دینی و معنوی آن را برای مخاطبانش با اخلال مواجه نموده و تا آن جا که بنای مورد نظر براساس آرمان‌های دینی خود بوده برای مردم عملکرد بهتری داشته‌است.

در این مقاله برای بررسی عوامل مختلف تأثیرگذار بر احساس و ادراک معنوی افراد از فضای عبادی کلیساهای غربی متعلق به قرون وسطی، تقسیم‌بندی تحت عناوین: سیاست کلیسا در سایه مذهب، رفتارهای آیینی مردم در کلیسا و ساختارهای کالبدی کلیسا صورت گرفته و عوامل مرتبط با هر عنوان در زیرمجموعه این مباحث کلی مورد کنکاش قرار گرفته‌است.

برای بررسی تأثیرات معنوی یک فضای عبادی بر انسان به عوامل مختلفی در رابطه با آن فضا باید توجه کرد. بناهای مذهبی در ادیان مختلف یک هدف مشترک داشته و آن ایجاد فضایی برای نیایش و عبادت است و این امر در سایه پشتوانه‌ها و اعتقادات مذهبی هر دین صورت می‌پذیرد و در شکل منحصر به فردی بروز و ظهور می‌یابد. اما آن هدف مشترک باعث می‌شود انسان‌ها از هر دین و مذهب با ورود به یک بنای مذهبی تحت تأثیر فضای عبادی آن قرار بگیرند. اجزا و عناصر معمارانه یک بنا توسط هوشمندی معماران آن بنا، به نحوی به کار گرفته شده که بتواند این تأثیر معنوی را برای مخاطبان آن بنا به حداکثر رسانده و استفاده‌کنندگان را در راستای عملکرد مورد نظر هدایت کند. «صور ازلی هنر مقدس، الهامات آسمانی هستند؛ تمام آثار هنری دیگر، منبع الهام خود را از شخصیت معنوی هنرمند می‌گیرند. هنر دینی اکثراً هدف زیبایی را نادیده می‌گیرد و زیبایی آن بیش از هر چیز از حقیقت معنوی و بنابراین از دقیق بودن جنبه رمزی و تمثیلی آن و نیز از فایده آن برای اعمال آیینی و مشاهده عرفانی سرچشمه می‌گیرد و عوامل شخصی سنجش‌ناپذیر ذوق شخصی فقط یک عنصر فرعی است» (شووان، ۱۳۷۲: ۹۷).

فرضیه تحقیق

ساختار فضایی کلیسا جایی که تزئینات، نقوش، مجسمه‌ها، رنگ‌ها و مصالح از حد متعادل فراتر می‌روند و جنبه تحمل‌گرایی و نمایشی پیدا می‌کنند و از طرفی کلیسا وسیله‌ای برای اعمال قدرت سیاسی دولتمردان می‌شود، در خلق فضای مذهبی و روحانی موفق نبوده و عملکرد اصلی آن در سایه سیاست‌های حاکم بر آن و تحمل‌گرایی فراموش می‌شود و معنویت فضایی کلیسا رنگ می‌بازد. تنها هنگامی که کالبد کلیسا براساس آموزه‌های دینی و رفتارهای آیینی افراد نیایشگر شکل می‌گیرد، منجر به بنایی مذهبی و روحانی می‌شود که توجه انسان زمینی را به سوی عالم ماورا و عبادت سوق می‌دهد.

مبانی نظری

معماری دینی: بنای دینی مکانی است برای عبادت مؤمنان آن دین که هرچه در شکل و فرم آن از سمبل‌ها و نشانه‌های قدسی و برگرفته از اصول آن دین استفاده شود، باعث سیر و سلوک عرفانی و معنوی استفاده‌کنندگان آن می‌شود. در معماری مسیحی، فضای عبادی کلیسا نیایشگران را به سوی عالم روحانی و معنوی هدایت می‌کند. «شمایل کلیسا به گونه‌ای تمثیلی، بیانی

مجسم از اعتقادات در دین مسیحیت است، کلیسا نمایانگر جایگاه انسان، خدا و مسیح است و مسیر دست‌یابی به جایگاه برتر را عیان می‌سازد» (فتیحی‌آذر و حمزه‌نژاد، ۱۳۹۳: ۵۴). همین‌طور در دیگر ادیان تلاشی مشابه از طریق فضاهای دینی صورت می‌گیرد و هنر معماری وسیله‌ای نافذ برای وصول به عالم ادراک می‌شود. انسان با فرارگرفتن در یک فضای مقدس سعی در برقراری ارتباط معنوی مؤثرتری با عالم ماوراء و خالق هستی دارد.

معماری کلیسایی: بسیاری از تئوری‌دانان کاتولیک، کلیسا را به عنوان آیین مقدس می‌دانند. دلیل آن‌ها این است که اگر عیسی مسیح آیین مقدس خدا بوده، کلیسا آیین مقدس مسیح است. به عنوان آیین مقدس، کلیسا جنبه‌های بیرونی و درونی دارد. وجه بیرونی یا سازه‌ای کلیسا، سازمان‌بندی بیرونی آن است و این ضرورتی است که بدون آن کلیسا دیده نخواهد شد. وجه درونی آن حضور عیسی مسیح در میان ایمان، امید و عشق نیایشگران به بدن اوست. آن‌ها کلیسا را نشانه‌ای از عیسی مسیح می‌دانند. به تفسیر واتیکان روم، کلیسا یک نشانه و وسیله‌ای از اتحاد با خدا و یکی شدن تمام انسان‌ها در عیسی مسیح است. بنابراین معماری کلیسا در دین مسیحیت بازتابی از اعتقادات آن‌هاست و جامعه مسیحی با ساخت کلیساهای بزرگ و مجلل با تزئینات پرشمار

عنوان یک بنای شاخص برفراز شهر مشاهده کرد و هنگام حضور در محل کلیسا با دیدن بافت شهر و ساختمان‌ها در فرودست آن، قدرت حاکمه کلیسا بر شهر را قابل درک است (تصویر ۱ و ۲).



تصویر ۱ و ۲. کلیسای جامع نوتردام، ماری. عکس: مریم محسنی مقدم، ۱۳۹۴.

و متعدد آن سعی در ایجاد القای حس قدرت به مردم را داشت.

سیاست حاکمان در سایه مذهب و کلیسا

«همزیستی متقابل سلطنت و قدرت سیاسی با کلیسا، جنبه‌هایی از شکوه و سلطنت درباری و حضور آن را در عرصه ایمان مسیحی که کلیسا متولی آن بود، مجسم کرده است. جاودانگی سلطنت در پرتو جاودانگی امر الهی توجیه و تفسیر می‌شد» (نوروزی طلب، ۱۳۸۴: ۸۰). نفوذ قدرت سیاسی در کلیسا باعث شده تا این بنا جنبه شاخص شهری پیدا کرده و با تأملی در آن ردپای قدرت حاکمه را می‌توان در ساختار کالبدی بنا در بافت شهری مشاهده کرد. همانطور که «موسولینی»، رهبر ایتالیای فاشیست در طی دوران جنگ جهانی دوم، با موافقت برای تأسیس ایالت واتیکان و قرار دادن مذهب کاتولیک به عنوان مذهب ملی، سعی بر برگرداندن کاتولیک‌ها به زندگی سیاسی و حمایت آنها از قوانین فاشیستی داشت، تا با اهمیت دادن به مذهب و کلیسا، قدرت حاکمه خود را مستحکم‌تر نماید و حمایت توده مردم را به دست بیاورد. تأکید بر ساختمان کلیسا و بزرگنمایی قدرت آن در شهرهای مختلف اروپایی هر یک به نحوی صورت گرفته تا باعث ادراک متفاوتی از آن شود. این تأکید بر قدرت در فضای درونی کلیسا نیز به نحو دیگری تسری یافته که در ادامه به بررسی ساختار فیزیکی آن از جهت القای حاکمیت و قدرت نمایی آن پرداخته شده است.

• نحوه قرارگیری بنای کلیسا در بافت شهری در جهت القای حس قدرت

کلیساهای قرون وسطایی در شهرهای اروپایی، قدرت و عظمت چشمگیری دارند که هر بیننده‌ای را مجذوب ابهت خود می‌کند. نحوه قرارگیری این بناها در بافت شهر و چگونگی منتهی شدن خیابان‌ها به آن یا مکان‌یابی آن‌ها می‌تواند باعث ایجاد احساس و ادراک متفاوتی نسبت به این فضاهای عبادی شود. «ادراک را می‌توان فرآیندی هدفمند دانست که طی آن فرد به دریافت ارسالات محیطی می‌پردازد و برآمده از فرهنگ و ارزش‌های ساختاری حاکم بر جوامع بشری می‌باشد. در این رابطه ادراک محیطی، فرآیندی است که انسان داده‌ها و انگاشت‌های ذهنی لازم را از محیط پیرامون دریافت می‌کند. ادراک محیطی با شناخت انسان از محیط همراه است» (پورجعفر و صادقی، ۱۳۸۷: ۹۸). در بسیاری از ادیان بناهای مذهبی بر بالای تپه یا کوه قرار می‌گرفته‌اند و افراد نیایشگر با رفتن به مکانی بالاتر از سطح شهر احساس نزدیکی بیشتری با خالق خود کرده و برتری مکان مذهبی را بر دیگر مکان‌ها ادراک می‌نمودند. به عنوان مثال در شهر ماری در فرانسه، کلیسای جامع نوتردام بر بلندای تپه‌ای قرار گرفته و تسلط آن بر شهر از بالای تپه کاملاً محسوس است. از نقاط مختلف کوچه و خیابان‌های این بندر می‌توان این کلیسا را به

تأثیر رفتارهای آیینی نیایشگران

هر دین و مذهبی با توجه به اعتقادات آن در رفتار مردم و نیایشگران آن دین نمودهای بیرونی پیدا می‌کند. این رفتارها و نمودهای آیینی مردم در فضای مذهبی تأثیر ادراکی مؤثری بر مخاطبان آن فضا دارد. برای اجرای این مراسم توسط نیایشگران باید فضاهایی به آن اختصاص داده شود تا عملکرد بهینه مرتبط با آن در فضای درونی بنای مذهبی ایجاد شود. هنگامی که بنای مذهبی در راستای آئین‌های عبادی مردم طراحی می‌شود برای عبادت‌کنندگان احساس و ادراک معنوی موثرتری را به همراه دارد. در ادامه به بررسی دو مورد از این رفتارها و تأثیر محیطی آن بر نیایشگران در فضای کلیسا پرداخته شده است.

• موسیقی حاکم بر فضای عبادی

آواها و آهنگ‌های نواخته شده در فضای کلیسا در هنگام مراسم عبادی می‌تواند بر روحیه انسان نیایشگر تأثیر بگذارد. «موسیقی مقدس در اتصال مقدس‌تر و نزدیک‌تری با اعمال مناجات می‌باشد، مناجات‌کنندگان را شاداب‌تر می‌سازد، وحدت ذهن را ارتقا می‌دهد و آئین تشریفات بهتری را به مراسم مذهبی اعطا می‌کند. این تقدس، ابعاد مذهبی و روحانی را در بر می‌گیرد و هر دو بعد باید در زمینه فرهنگی در نظر گرفته شود» (USCCB, 2007: 65). در کلیساهای قرون وسطایی در هنگام نواخته شدن آهنگ‌های مذهبی، نیایش دسته‌جمعی همراه با آن حس معنوی را بر فضای کلیسا غالب می‌کند. در کلیسای جامع نوتردام در پاریس و کلیسای جامع نوتردام لیون هنگامی که پس از دعای قدیسان در جایگاه، سرودهای مذهبی نواخته می‌شود، نیایشگران برخاسته و در حالت ایستاده به صورت دسته‌جمعی سرودها را زمزمه کرده و با هم‌نوایی خود فضای کلیسا را روحانی‌تر می‌کند و پس از به پایان رسیدن هم‌خوانی در صفی منظم به سمت جایگاه رفته و رهبر دینی‌شان برای آن‌ها دعا می‌کند و چیزی را به رسم تبرک در دهان آن‌ها می‌گذارد.

طنین اصوات برآمده از دستگاه‌های موسیقایی در ساختمان عظیم و با ارتفاع زیاد کلیساهای قرون وسطایی حالتی از جذب روحانی را در انسان بیدار می‌سازد که وی را به تفکر در درون وامی‌دارد و چون در هنگام اجرای نواهای موسیقی دعاهای دسته‌جمعی توسط نیایشگران خوانده می‌شود، ترکیب نت‌های موسیقی با صدای افراد عبادت‌کننده در کمک به ایجاد فضایی روحانی و معنوی موفق عمل نموده و انسان را غرق در عالم معنا و عبادت می‌کند.

«موسیقی و مسیحیت در گفتمانی دو سویه موجبات خلق برآیندی مبارک، با عنوان موسیقی مسیحی را فراهم آوردند؛ برآیندی که از یک سو، شامل نت‌های موسیقایی است و از سوی دیگر نشانگر تعالیم آسمانی» (مهدوی نژاد، ۱۳۸۲: ۱۰۲).

در بافت شهری، کلیسای سن پیترو در روم است که در محور مرکزی خیابان مشروطیت قرار گرفته است. این کلیسا نمونه‌ای از معماری اقتدارگراست که به آن معماری فاشیستی می‌گویند و سمبل قدرت است. خیابان مشروطیت، خیابانی که دارای نظم و تقارن خاصی است و منتهی‌شدن آن به کلیسا نشانگر قدرت حاکمه این بنا و تأکید بر کلیساست و به میدان جلوی کلیسا منتهی می‌شود که در آن نیز تقارن اجزاء و عناصر اطراف میدان و رواق‌های پیرامونی در دو سوی میدان با ردیف ستون‌های آن باز هم بر اهمیت و اقتدار ساختمان کلیسا تأکید می‌کند. معنایی که از این رویکرد به دست می‌آید بیشتر معطوف به قدرت است تا روحانیت، زیرا حس کوچک‌شدن را به مخاطب القا می‌کند.

• محور مرکزی داخل کلیسا در جهت القای حس قدرت

«هر کلیسا دارای سه ورودی است که نمادی از خدای پدر، خدای پسر و خدای روح القدس می‌باشد» (پهلوان‌زاده، ۱۳۹۱: ۲۷). برای ورود به فضای داخلی کلیسا پس از عبور از درهای جانبی، انسان نیایشگر در محور مرکزی فضا قرار گرفته و آکس مرکزی محل عبادت به سمت محل قرارگیری قدیسان و محراب است (تصویر ۳). «جایگاه اقدس‌القدوس یا محراب کلیسا که نقطه عطف و هدف فضای کلیسا محسوب می‌شود، آن‌چنان که همه جایگاه‌ها رو به سوی آن دارند، مومنان رو به آن می‌ایستند، همه میزها به آن ختم می‌شود و در قسمت رأس صلیب، پلان قرار دارد» (همان: ۲۵).

این‌گونه تأکید بر محور مرکزی در فضای داخلی کلیسا که در انتهای آن محل قدیسان است، برای موعظه و راهنمایی مردم، حس قدرت و سلطه آن‌ها را بر مردم تداعی می‌کند. «در معماری مسیحی، جهت، افراد را به سمت خاصی رهنمون می‌سازد. تمام نیروها و جهت‌ها بیانگر آن است که برای دستیابی به فضل الهی باید به حضور عشا‌ی ربانی که در جایگاه مخصوص قرار گرفته است، توجه خاصی نمود» (فتحی‌آذر و حمزه‌نژاد، ۱۳۹۳: ۵۵).

تأکیدی که بر قدرت کلیسا در جامعه مدنی در فضاهایی همچون کلیسای سن پیترو در واتیکان مشاهده می‌شود، به نوعی در فضای درونی کلیسا امتداد یافته و مسیر مشخص نیایشگران از ورودی تا محراب که در دو سوی آن چیدمان صندلی‌های نیایش رو به سوی آن دارد بر این تأکید می‌افزاید. «مؤمنانی که در کلیسا جمع می‌شوند، آدم‌هایی همیشه نیازمند به آموزش دینی فرض می‌شوند که از طریق موعظه، پیوند خود را با بزرگان مذهب، استوار می‌دارند؛ موعظه، گفتاری یک سویه در عالم کلیساست که هرگز پایان ندارد. با توجه به این رابطه است که فضای داخلی کلیسا شکل گرفته و آراسته می‌شود» (پهلوان‌زاده، ۱۳۹۱: ۲۶) و چنین معنایی در معماری مذهبی در ایجاد حس روحانیت فضایی برای افراد کمتر موفق عمل می‌کند.

• شمع روشن کردن

در کلیساهای مسیحی نیز مانند بسیاری دیگر از فضاهای عبادی نیایشگران به روشن کردن شمع برای برآورده شدن حاجاتشان روی می آورند. «شمع‌های در حال سوختن به ما یادآوری می‌کند که روح ما پیوسته در حضور خدا و قدیسانش است. شمع‌هایی که معمولاً از طرف دیگران روشن شده‌اند، ثابت می‌کند که عبادت‌کنندگان خود محور نبوده و خدامحورند» (Anderson, 2003: 8). روشن کردن شمع در فضاهای مذهبی نمادی از نور، آتش و خداست که در تمام ادیان و آیین‌ها جنبه مثبت، مقدس و ریشه در باورهای قدیمی دارد. در آیین مهر تقدس آتش وجود داشته و در آیین زرتشت، هندوئیسم و بودیسم نیز آتش و نور را مقدس می‌دانند. «آتش که وولکان نامیده می‌شد، برترین و سازنده‌ترین نیروهای طبیعی به شمار می‌رفت و در همه جلوه‌هایش: در افلاک و ستارگان، در روشنی، در نیروبخشی به زندگی موجودات، در رشد و بالندگی گیاهان خفته در درون زمین مورد ستایش قرار می‌گرفت. آتش در ژرفای غارها و مهرابه‌ها با تقدس شعله‌ور بود و ستایشگران می‌کوشیدند از هر نوع آلودگی، حتی از تماس با خود، درش نگاه دارند» (کومن، ۱۳۹۳: ۱۱۸). در فضای داخلی بسیاری از کلیساها مکان‌هایی به این امر اختصاص داده شده است. شمع‌های روشن در فضای نیمه تاریک کلیساهای غربی که در جایگاه‌های مختلف به چشم می‌خورد و توسط فرد فرد نیایشگران، هریک در راستای خواسته و آرزویی روشن شده‌اند، در ایجاد فضایی روحانی تأثیر گذاشته و نشانگر تلاش برای نوعی از برقراری ارتباط مخلوق با خالق است (تصویر ۴). «هنگامی که عبادت‌کنندگان وارد کلیسا می‌شوند، در شمعدان‌ها یک شمع برای زندگان و یک شمع برای خویشاوندان و آشنایان مرحومشان روشن می‌کنند، اما اگر کسی از افراد در قید حیات مشکل خاصی داشته باشد، خوب است که برای هرکس، یک شمع روشن کند. نور شمع همیشه باید با کلمات نیایش همراه باشد. ما با روشن کردن شمع برای زندگان بخشش و حمایت خداوند را می‌خواهیم، درحالی‌که برای رفتگان مغفرت الهی و رستگاری ابدیشان را خواستاریم» (Vernikos, 2013:4).

ساختار کالبدی کلیسا

هر ساختمان با توجه به عملکرد مورد نظر آن شکل می‌گیرد و از اجزا و عناصر معماری برای طراحی آن فضا استفاده می‌شود. در یک بنای مذهبی معمار آن سعی بر آن دارد تا با به کارگرفتن این عناصر در راستای ایجاد محیطی معنوی و روحانی بهره‌برد. همانطور که «عیسی حجت» در کتاب «سنت و بدعت در آموزش معماری» این‌گونه به این موضوع اشاره نموده‌اند: «در دستگاه عبادی، وظیفه معمار سیر از حقایق الهی به دقایق انسانی و یافتن مصادیق مادی برای مفاهیم معنوی است و معماری فرایندی است



الف



ب

تصویر ۳. محور مرکزی در کلیسا. عکس: مریم محسنی مقدم، ۱۳۹۴. الف. کلیسای جامع لیون از سمت ورودی. ب. کلیسای دئومو میلان به سمت محراب

میان عالم معنا و عالم ماده که حقایق و مفاهیم را به محملی از جنس اندیشه - یعنی هندسه - نشانده و به صورت مصادیق و دقایق کالبدی واقعیت و جسمیت می بخشد» (حجت، ۱۳۹۱: ۱۸۱). بنابراین معمار دینی برای خلق یک فضای قدسی از ابزارهای مادی مختلفی در جهت رسیدن به عالم معنا بهره می برد و با کنکاش در شالوده های اساسی آن دین سعی در به کار بردن سمبل ها و نشانه هایی در کالبد بنا دارد که منجر به ایجاد فضای عبادی تأثیرگذاری برای ارتباط نیایشگران در دنیای زمینی با عالم ماورا می شود و اگر پشتوانه های اعتقادی و دینی در ساختار بنای مذهبی نقشی نداشته باشند، فضای معنوی موفقی خلق نخواهد شد.

• پنجره های رنگی و منقوش

«در معماری آغاز مسیحیت و نیز در معماری بیزانس همواره تلاش می شده است هرچه بیشتر به فضای داخلی جنبه روحانی داده شود و فضایی رویایی بیافرینند و روشن است که نورپردازی در این راه نقش عمده داشته است» (گروتز، ۱۳۸۸: ۴۵۲). پنجره های رنگی و منقوش داخل کلیساها که از ورود نور به صورت خالص و مستقیم به درون کلیسا خودداری می کند، می تواند به عنوان یک عنصر فضایی موثر در کلیسا شناخته شود که با بازی رنگ و نور در فضا بر جنبه الهی و روحانی فضا بیفزاید. «نور آفریننده فضا نیست اما دگرگون کننده آن است. با نور سازمان و سامان جهان، مکان گونه ای دیگر می شود و بر عهده یک معمار است که اول فضاها را بیافریند و آن گاه فضاها را با نور بازآفرینی کند. بی شک این دو مرحله کار معماری است که از هم جدا می باشد» (دیباج، ۱۳۸۴: ۴۹). در ساختمان کلیساهای غربی با استفاده از پنجره های گل سرخی گوتیک در بالاترین ارتفاع و پنجره های عمودی منقوش در فضاهایی همچون محراب از این عنصر معمارانه به نحو مطلوبی بهره برده شده است (تصویر ۵). «هر پنجره با شیشه منقوش مانند کتاب مقدس می تواند به عنوان یک واحد مستقل در نظر گرفته شود» (Dornyei, 2011:121).

• تاریکی درون کلیسا

«در دیدگاه ادیان، نور دارای اصل متافیزیکی و مقدس بوده و دارای ماهیتی معنوی و روحانی است» (قدوسی فر، ۱۳۸۸: ۲۵). استفاده صرف از پنجره های منقوش در ارتفاع بالا و با ابعاد کوچک نسبت به فضاهای عظیم درون کلیساهای قرون وسطایی در غرب باعث ایجاد وضوح اندک و تاریکی محیط داخلی کلیسا می شود و به گونه ای بر رمز آلود بودن فضای درونی می افزاید (تصویر ۶). این تاریکی ایجاد شده در درون یک بنای مذهبی، با این مسئله که ما خداوند را منشأ نور تصور می کنیم در تضاد است و به روحانیت فضا کمکی نمی کند. «نور الهی و شکوه خداوند از یکدیگر جدا

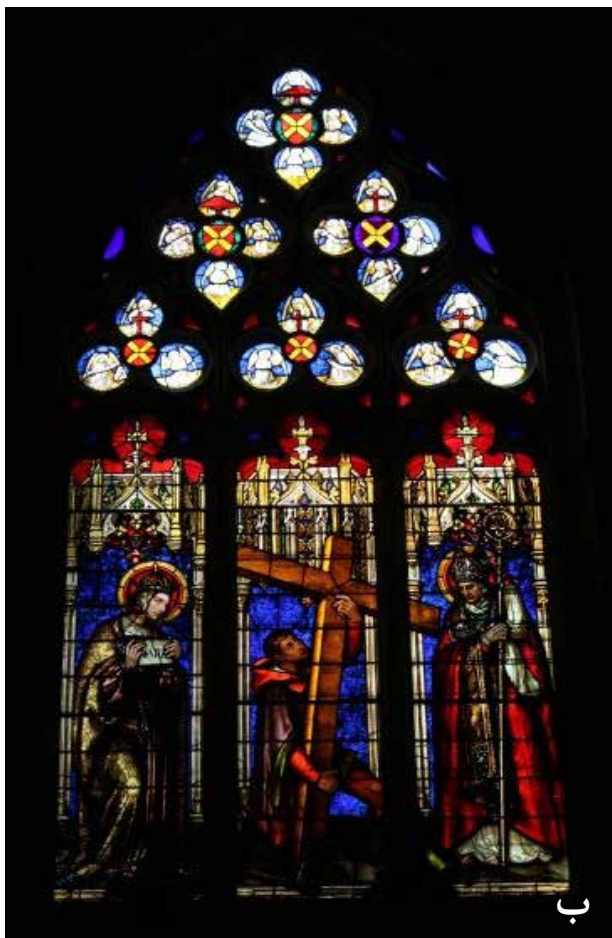


الف



ب

تصویر ۴. محل روشن کردن شمع توسط نیایشگران در کلیسا. عکس: مریم محسنی مقدم، ۱۳۹۴. الف. کلیسای نوتردام پاریس. ب. کلیسای دئومو میلان



ب



الف

تصویر ۵. پنجره با شیشه منقوش. عکس: مریم محسنی مقدم، ۱۳۹۴. الف. کلیسای نوتردام پاریس ب. کلیسای جامع لیون.

به نظر می‌رسد تاریخ بودن فضای کلیساهای ریشه در مبدأ کلیساهای یعنی مه‌راه‌ها داشته باشد. مه‌راه‌ها معمولاً غارهای کوچکی در دل صخره‌ها و دارای پنجره‌های کوچکی در زیر سقف بودند که نور کمی را وارد فضای مه‌راه و شبستان می‌کرد بنابراین فضای مه‌راه‌ها تقریباً تاریک بود تا حالت غار مانند آن حفظ شود. «اینها در مناطق مسیحی نشین مستقیماً به کلیسا تبدیل شدند که به دلیل عملکرد مشابه از نظر آیین و مناسک و فقدان جهت قبله، احتیاجی به تغییر زیاد نداشته‌اند» (جوادی، ۱۳۹۳: ۳۵).

• تزئینات کلیسا

تزئینات در کلیساهای جلوه و نمود خاص و تأثیرگذاری را ایجاد کرده که توجه افراد نیایشگر را به خود معطوف می‌دارند. «با به رسمیت شناخته شدن دین مسیح و تلفیق آن با حکومت و سیاست، سادگی صدر مسیحیت کم‌کم جایش را به کلیساهای پرکار و پر تزئین دوران بعد داد و هدف بیشتر نمایش قدرت مسیح و حکومت

نیستند و نور اغلب به عنوان تفسیر قابل درکی از شکوه خداوند به تصویر کشیده می‌شود» (Dornyei, 2011: 38).

در کتب مقدس دین مسیحیت، همواره از حضور نور و اهمیت آن در رابطه با خداوند و نماینده او در زمین سخن به میان آمده است. همانگونه که در انجیل عیسی مسیح در نامه اول یوحنا ی رسول آمده است: «خدا نور است و هیچ تاریکی در او نیست. اگر بگوئیم با او رفاقت داریم، حال آنکه در تاریکی گام می‌زنیم دروغ گفته‌ایم و به راستی عمل نکرده‌ایم» (انجیل عیسی مسیح، ۱۳۹۱: ۶۱۹) و در جایی دیگر از انجیل یوحنا، عیسی مسیح می‌فرماید: «من نور جهانم؛ هر که از من پیروی کند هرگز در تاریکی راه نخواهد پیمود، بلکه از نور زندگی برخوردار خواهد بود» (همان: ۲۵۷). بنابراین کلیسا به عنوان بنایی که مظهری است از وجود عیسی مسیح برای عبادت‌تگران مسیحی همانطور که در انجیل آمده: «بدن او (عیسی مسیح) که کلیساست» (همان: ۵۱۶) بایستی مکانی باشد دارای نورانیت تا ارتباط معنوی بهتری را برای نیایشگران حاصل آورد. اما

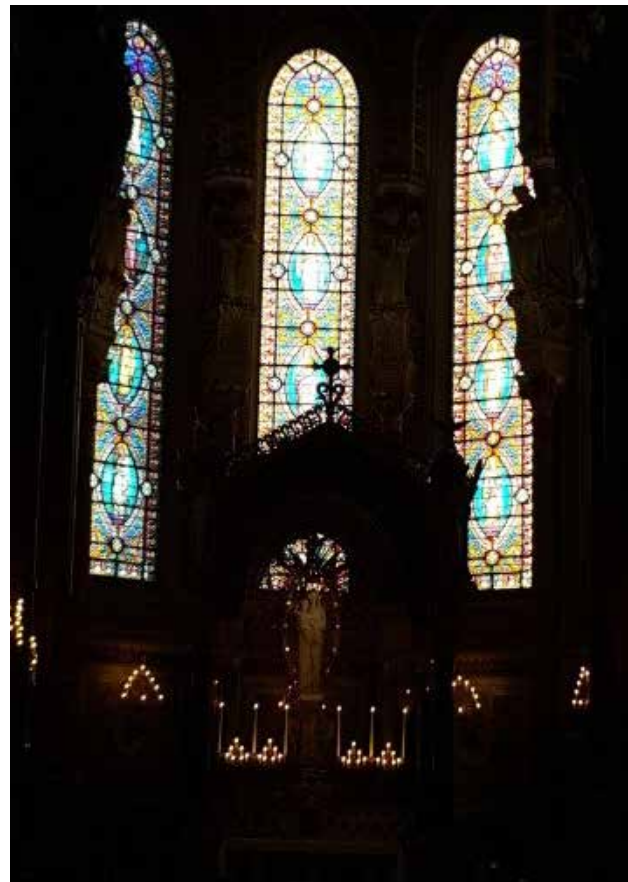
پس از آن نقاشی‌های دیواری داخلی است. «شمایل‌ها نه تنها جسم فانی مسیح و قدیسین و بعد درونی و روحانی آنها را مد نظر دارد، بلکه اصل و ذات آن‌ها که صورت نوعیه قدیسین است را به نمایش می‌گذارد» (رجبی و مراثی، ۱۳۹۲: ۲۷). این مجسمه‌ها و نقاشی‌های دیواری با مضامین نهفته در آن‌ها گاهی آنقدر متعدد و عظیم‌اند که توجه انسان را به خود جلب نموده و بیش از آنکه وی را به سوی عالم روحانی و معنویت گسیل دارد، توجه را به سوی دنیای مادی معطوف می‌دارد و محیط مذهبی کلیسا را تبدیل به مکانی برای دیدن این آثار و مبهوت شدن در آن می‌گرداند. «نیایشگاه‌هایی که مملو از آرایه‌ها، تصاویر و مجسمه‌های موجودات زنده، حتی مجسمه‌های قدیسین و پیامبران است، انسان را منفعل، تماشاچی و از خود بیگانه می‌کند. در واقع فرقی بسیار اساسی بین فضای داخلی نیایشگاه با نمایشگاه وجود دارد، نمایشگاه مناسب سیر در آفاق و تعامل انسان با پدیدارهای بیرونی است و در نقطه مقابل نیایشگاه، باید مناسب تعامل درونی و خود آگاهی ارادی و اختیاری انسان باشد» (نقره کار، ۱۳۹۲: ۳۳). نمونه استفاده گسترده از مجسمه و نقاشی دیواری را در کلیسای سن پیترو در روم می‌توان دید که مملو از مجسمه‌های عظیم و نقاشی‌های دیواری متعددی است که توجه انسان را کاملاً غرق در عظمت و زیبایی به کار گرفته شده در این هنرها می‌کند و از جنبه‌های مذهبی بنای مذکور به نحو قابل توجهی می‌کاهد (تصویر ۷).

• تزئینات کف و سقف کلیسا

تزئینات و نقوش به کار رفته در طراحی کف و سقف کلیساهای غربی توجه انسان را به خود معطوف می‌دارد. در برخی کلیساهای همچون کلیسای جامع در سیه‌نا، طراحی کف فضا به قدری شلوغ و متنوع است که نگاه بیننده را به کف فضا سوق می‌دهد. «تمامی منطقه کف کلیسای جامع از موزائیک‌های مرمر پوشیده شده و به ۵۶ قطعه با اندازه‌های مختلف تقسیم شده است که شامل بیانات تصویری ظریفانه‌ای از سبیل، صحنه‌هایی از کتاب مقدس، تقوا و تمثیل‌هاست» (Carli, 2015: 32). تزئینات در سقف برخی کلیساهای مانند کلیسای نوتردام لیون نیز همانند کف افراط‌گونه‌اند و به نقوش برجسته‌ای تبدیل می‌شود که این همه تجمل‌گرایی و تزئین، مناسب فضای مذهبی نیست (تصویر ۸).

• مصالح مورد استفاده و رنگ

مصالح مورد استفاده در فضای داخلی کلیسا شامل سنگ‌های کف، چوب‌های صندلی‌های نیایش، صاف و صیقلی بودن سنگ‌های مرمر دیوارها، هر یک تأثیری بر جنبه‌های ادراکی فرد از فضا می‌گذارند. در کلیسای سانتا ماریا دلفیوره در فلورانس و کلیسای جامع سیه‌نا ترکیب رنگ سیاه و سفید سنگ‌های



تصویر ۶. فضای داخلی تاریک و کم نور در کلیسای نوتردام لیون. عکس: مریم محسنی مقدم، ۱۳۹۴.

مسیحی شد تا دین و آئین مسیحیت» (شیرازی، ۱۳۹۳: ۱۰). این نوع قدرت‌نمایی مسیحیت در قالب بنای کلیسا با اصل سادگی بناهای مذهبی که بتواند توجه انسان را معطوف به ارتباط با خدا نماید مغایرت دارد. «در سلسله مراتب هنر اروپایی، چهره‌پردازی (نقاشی) و مجسمه‌سازی بالاترین مرتبه را دارا می‌باشند و هنر مطلق خوانده می‌شوند. حال آنکه معماری چون مشروط به ضرورت‌های فنی است، در مرتبه پایین‌تری واقع می‌شود، شأن هنرهای تزئینی از آن هم نازل‌تر است» (بورکهارت و نصر، ۱۳۷۰: ۳۰). به همین دلیل در کلیساهای اروپایی نقاشی‌های دیواری و مجسمه‌ها که به صورت‌های مختلف و گاه در تعداد بی‌شماری دیده می‌شوند، خود مانعی برای حصول ادراک عرفانی در یک فضای مذهبی به شمار می‌آیند.

• مجسمه‌ها و نقاشی‌های دیواری

چشمگیرترین و برجسته‌ترین تزئین در کلیساهای مسیحیت مجسمه‌های قرار گرفته در فضای بیرون و درون کلیساهای



تصویر ۷. نقاشی دیواری و مجسمه های کلیسای سن پیترو در روم. عکس: مریم محسنی مقدم، ۱۳۹۴.

فضای داخلی کلیساهای غربی و ارتفاع زیاد آن به نوعی بر حس عروج و تعالی تأکید می کند و از طرفی انسان قرار گرفته در این فضا با دیدن عظمت و بلندای فضای درونی که به دور از تناسبات انسانی است، دچار احساس خوف و سرگشتگی می شود. «برای اندیشیدن و تفکر، دو شیوه عمودی و افقی بازشناخته می شود. در نگاهی کلی، منطق با تفکر عمودی، در «کنترل» ذهن و با تفکر افقی، در «خدمت» ذهن است. تفکر عمودی به واسطه طبیعتش، نه تنها در تراوش ایده های نو کارایی ندارد بلکه کاملاً محدود کننده است» (دیبونو، ۱۳۷۶: ۲۴). قرار گرفتن طاق ها و گنبد های داخل کلیسا در ارتفاعی بسیار زیاد برای انسان نیاشگر حس عدم امنیت فضایی را ایجاد می کند. ذهن عبادت کنندگان در کنترل نظام عمودی حاکم بر کلیسا قرار می گیرد و آنها خود را در سیطره فضایی عظیم، بلند و دست نیافتنی می یابند. انسان با ورود به این فضا، احساس حقارت در برابر نیرویی عظیم می کند که توسط معماری آن بنا ایجاد می شود، که البته این احساس در نوع خود می تواند باعث به یاد آوردن خدای متعال شود چرا که ما خالق هستی را گاهی از خوف و گاهی رجا یاد می کنیم (تصویر ۹).

تجزیه و تحلیل پرسشنامه

به منظور بررسی نحوه ادراک محیطی انسان در فضای کلیساهای غربی و چگونگی احساس و ادراک معنوی یا غیر معنوی آنها در فضای مورد نظر، سؤالاتی در راستای اجزا و عناصر مؤثر در این

دیوارها جنبه بصری متفاوتی در فضا ایجاد می نماید که چشم انسان را در توالی بصری حاصل از چیدمان رنگ سنگ ها چرخانده و توجه وی را معطوف به عالم مادی می دارند. بنابراین قادر به ایجاد فضایی آکنده از آرامش معنوی و مذهبی نیستند. رنگ های حاکم بر فضای درونی هر یک، معنایی را در ذهن مخاطب آن فضا تداعی می کند. در فضای کلیسای نوتردام پاریس رنگ حاکم بر فضا سفید است که بر خلوص و روحانیت فضایی می افزاید. «رنگ سفید نماد کمال متعالی، نور، پاکی، تقدس، نجات و اقتدار معنوی است. سفید رنگ عشق و زندگی و هم رنگ مرگ و تدفین است» (جوادی، ۱۳۹۳: ۳۹). رنگ های به کار گرفته شده در نقاشی های دیواری و لباس روحانیون و قدیسان نیز تأثیر متفاوتی در نیاشگران فضای مذهبی ایجاد می کند که هر کدام بیانگر معنایی است. «در شماری از مهرابه های اروپا شنل مهر به رنگ قرمز ارغوانی است و به سقف مهرابه رنگ آبی با نقش خورشید، ماه و ستارگان و علائم صور فلکی به رنگ های سفید و طلایی نقش بسته اند. همین رنگ ها بعداً در لباس روحانیون مسیحی و تزئینات معماری کلیساها وارد شده اند» (همان: ۳۹). در نتیجه رنگ نیز عنصری تأثیرگذار بر درک متفاوت از یک فضای مذهبی است.

• عمود گرایی

«به عقیده بورکهارت، هنر مقدس برای انسان سنتی، مکانی برای دست یابی به عالم ماورا است» (بورکهارت، ۱۳۹۰: ۱۷). عمود گرایی



تصویر ۹. عمود گرایی فضای داخلی در کلیسای نوتردام پاریس
عکس: مریم محسنی مقدم، ۱۳۹۴.



تصویر ۸. تزئینات سقف کلیسای نوتردام لیون عکس: مریم
محسنی مقدم، ۱۳۹۴.

عبادی و آواهای انسانی در هنگام نیایش دسته جمعی را عامل موثر در معنویت فضای کلیساها دانستند. در مقابل، برجسته ترین عنصر فضایی که باعث دور کردن انسان از عالم معنا، روحانیت و مادی گرایی در این فضاها می شود؛ از نظر ۵۰ درصد افراد مجسمه ها و پیکرتراشی های درون کلیسا است، ۳۸ درصد به تراکم و تنوع تزئینات کلیسا اشاره کردند و در رتبه بعدی ۲۳ درصد نقاشی های کف و نقاشی های دیواری را عامل موثر در دور کردن انسان نیایشگر از عالم معنوی و روحانی می دانستند.

مقوله طراحی شد و جامعه آماری آن تعداد ۲۶ نفر زن و مرد که اکثر قریب به اتفاق آنها تحصیل کردگان رشته معماری در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری بودند که به غرب سفر کرده و در کشورهای فرانسه و ایتالیا، کلیساهای قرون وسطایی غرب را از نزدیک بازدید کردند. نتایج این پرسشنامه که حاصل ادراک و احساس آنها از فضای درونی کلیسا بوده در جدول ۱ ارائه شده است. علاوه بر آن، برجسته ترین عنصر فضایی که از نظر این افراد باعث معنویت فضای کلیساها می شود مورد پرسش قرار گرفت. ۳۱ درصد آن ها شیشه های رنگی درون کلیسا و ۲۷ درصد موسیقی مراسم

جدول ۱. نتایج بررسی ادراک محیطی افراد از فضای درونی کلیساهای غرب. مأخذ: نگارنده.

اجزاء فضایی درون کلیساهای غربی	احساس و ادراک معنوی	احساس و ادراک غیرمعنوی
قرارگیری محور مرکزی درون کلیسا رو به سوی قدیسان	٪۶۹	٪۳۱
پنجره های با شیشه رنگی و منقوش	٪۷۷	٪۲۳
قرارگیری پنجره ها در ارتفاع بالا و تاریکی درون کلیسا	٪۵۸	٪۴۲
آواها و آهنگ های نواخته شده در هنگام مراسم عبادی	٪۸۵	٪۱۵
نحوه چیدمان صندلی های نیاپش رو به سوی محراب	٪۷۷	٪۲۳
مجسمه های داخل کلیسا	٪۲۳	٪۷۷
نقاشی های دیواری داخل کلیسا	٪۵۰	٪۵۰
تزئینات و زیبایی های به کار رفته در کلیسا	٪۳۸	٪۶۲
عمودگرایی فضای درونی کلیسا	٪۳۵	٪۶۵
پیکرنگاری فضای درونی کلیسا	٪۱۹	٪۸۱

نتیجه گیری

در سلطه عظمت حاکم بر بنا قرار می گیرند و حس حقارت در برابر خالقان این بنا و نه خالق هستی آنها را احاطه می کند. قرارگرفتن کلیسا در نقاط خاصی از شهر و تأکید بر آن و از طرفی ساختار داخلی کلیسا، نشانی از قدرت حاکمه متولیان کلیساست و از جنبه های الهی آن می کاهد. در صورتی که استفاده از پنجره هایی با شیشه های رنگی منقوش باعث ایجاد نوری خاص در کلیسا می شود که حس فضایی روحانی را برای عبادتگراان ایجاد می کند و به عنوان یک جزء معمارانه مطلوب در راستای هدف بنا عمل می کند. رفتار آیینی عبادت کنندگان از جمله سرودهای مذهبی و روشن کردن شمع در مکان هایی که بدین منظور در کلیسا نظر گرفته شده نیز بیشتر بر جنبه معنوی فضای عبادی می افزاید. بنابراین هنگامی که این گونه مکان های عبادی عرصه ای برای قدرت نمایی حاکمان می شود، از اصول خود منحرف شده و نه تنها در ایجاد عملکرد دینی مورد نظر موفق نیست، بلکه توجه عبادت کنندگان را از الوهیت دور می کند.

با توجه به مشاهدات میدانی در اروپا و بازدید از کلیساهای چندین شهر در کشورهای ایتالیا و فرانسه، با استناد به مطالعات کتابخانه ای و در نظر گرفتن ادراک محیطی افراد در هنگام قرارگرفتن در این گونه از بناهای مذهبی از طریق پرسشنامه، نتیجه حاصل شده مؤید این مطلب است که اجزا و عناصری که توجه انسان را از عالم معنا به سوی مادی گری سوق می دهد جزء نامطلوبی در راستای هدف یک بنای مذهبی که نیایش و نزدیکی به خداوند است، محسوب می شود. از لحاظ ساختار اصلی کالبد معماری، جایی که تزئینات و مصالح جنبه نمایشی و تجملاتی پیدا می کنند و استفاده فراوان از مجسمه ها و نقاشی های دیواری وجه غالب فضای عبادی باشد، از معنویت فضا کاسته می شود. به نظر می رسد که این گونه پیکرنگاری ها یا حتی تاریکی درون کلیساهای غربی متأثر از ادیان پیشین بوده است و ارتباطی به آموزه های دینی و اعتقادی مسیحیت نداشته است. عمودگرایی داخلی کلیسا برای افراد جنبه روحانی نداشته و پس از ورود به بنا

پی نوشت

این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی «گردشگری فرهنگ شهری» است که در سال ۱۳۹۴ به مسئولیت آقای دکتر سیدامیر منصوری در پژوهشکده نظر انجام گرفته و نگارنده به عنوان همکار طرح در سفر مطالعاتی و برداشت های میدانی طرح مذکور به مدت ۱۸ روز به اروپای غربی (فرانسه- ایتالیا) مشارکت داشته است.

فهرست منابع

- اسلامی، سید غلامرضا، شاهین راد، مهنوش. (۱۳۹۱). بازشناسی اصل افقی گرایی در معماری اسلامی، فصلنامه کیمیای هنر، ۱(۲): ۴۱-۶۴.
- انجیل عیسی مسیح. (۱۳۹۱). ترجمه: هزاره نو. انگلیس: انتشارات ایلام.
- بورکهارت، تیتوس. (۱۳۹۰). هنر مقدس. ترجمه: جلال ستاری، تهران: انتشارات سروش.
- بورکهارت، تیتوس و نصر، سیدحسن. (۱۳۷۰). جاودانگی و هنر. ترجمه: سید محمد آوینی، تهران: انتشارات برگ.
- پورجعفر، محمدرضا و صادقی، علیرضا. (۱۳۸۷). اصول حاکم بر طراحی هدفمند محورهای دید شاخص شهری. نشریه هویت شهر، سال دوم (۳): ۹۵-۱۰۶.
- پهلوانزاده، لیلا. (۱۳۹۱). چگونگی شکل گیری مساجد و تفاوت های کالبدی آن با عبادتگاه های سایر ادیان، کنیسه ها و کلیساها، فصلنامه جغرافیا(برنامه ریزی منطقه ای)، ۲(۲): ۳۰-۷.
- جوادی، شهره. (۱۳۹۳). تداوم نشانه ها و بقایای معماری مهری قفقاز در کلیساهای ارمنستان و گرجستان، فصلنامه باغ نظر، سال یازدهم (۳۱): ۳۳-۴۴.
- حجت، عیسی. (۱۳۹۱). سنت و بدعت در آموزش معماری. تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- دیباج، سید موسی. (۱۳۸۴). فضای نور و معماری نور. فصلنامه باغ نظر، ۲(۳): ۴۸-۵۰.
- دیبونو، ادوارد. (۱۳۷۶). تفکر نوین: استفاده از تفکر افقی در تراوش اندیشه های نو. ترجمه: ضیاء الدین رضاخانی. تهران: انتشارات کویر.
- رجبی، زینب و مرانی، محسن. (۱۳۹۲). مطالعه تطبیقی ویژگی های مشترک طراحی چهره های معنوی در تمدن های دینی (بودایی، مسیحیت، اسلام). فصلنامه علمی-پژوهشی نگره. ۸(۲۶): ۳۴-۱۸.
- شیرازی، زهره. (۱۳۹۳). زیبایی شناسی تزئینات کلیساهای قفقاز. فصلنامه هنر و تمدن شرق، ۲(۵): ۸-۱۵.
- شووان، فریتهوف. (۱۳۷۲). اصول و معیارهای هنر جهانی. تهران: دفتر مطالعات دینی هنر.
- علوی نژاد، سیدمحسن و همکاران. (۱۳۸۹). مطالعه تطبیقی در کاربرد دو اصطلاح «تزئینات معماری» و «دیوار نگاری» در منابع هنر اسلامی، فصلنامه نگره، (۱۵): ۱۸-۵.
- فتحی آذر، سحر و حمزه نژاد، مهدی. (۱۳۹۳). معنا شناسی محور در مسجد و کلیسا. فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، (۱۷): ۶۲-۵۳.
- قدوسی فر، سیدهادی. (۱۳۸۸). نگاهی به جایگاه نور در هنرها، مجسمه سازی با نور. فصلنامه معماری و فرهنگ، (۳۵): ۲۸-۲۵.
- قدوسی فر، سیدهادی؛ حبیب، فرح و شهبازی، مهتیم. (۱۳۹۱).
- حکمت خالده و جایگاه طبیعت در جهان بینی و معماری ادیان مختلف، فصلنامه باغ نظر، ۹(۲۰): ۳۷-۵۰.
- کومن، فرانسیس. (۱۳۹۳). آیین پر رمز و راز میتراپی. ترجمه: هاشم رضی، تهران: انتشارات بهجت.
- گروتز، یورگ کورت. (۱۳۸۸). زیبایی شناسی در معماری. ترجمه: جهانشاه پاکزاد، عبدالرضا همایون، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- منصور، سید امیر و تیموری، محمود. (۱۳۹۲). نقد آرای سنت گرایان معاصر در زمینه هنر و معماری اسلامی. نشریه فیروزه اسلام، ۱(۱): ۶۸-۵۳.
- مهدوی نژاد، محمدجواد. (۱۳۸۲). بر هم کنش موسیقی ایرانی و موسیقی مسیحی، فصلنامه هنرهای زیبا، (۱۴): ۹۹-۱۰۴.
- نقره کار، عبدالحمید. (۱۳۹۲). خانه کعبه، سلول بنیادی در طراحی نیایشگاه های مطلوب (اصول راهبردی و راهکارهای عملی در طراحی مساجد مطلوب)، فصلنامه پژوهش های معماری اسلامی، (۱): ۴۱-۲۵.
- نوروزی طلب، علیرضا. (۱۳۸۴). بنیان هایی برای شناخت و تفسیر هنر بیزانس (اصول و مبانی)، فصلنامه باغ نظر، ۲(۴): ۸۳-۷۲.
- Anderson, Sh. (2003). *The Use Of Candle As A Symbol In Worship*. CCWS and the author.
- Carli, E. (2015). *Siena Cathedral and The Cathedral Museum*. Italy: Lito Terrazzi.
- Dornyei, Z. (2011). *Transfiguration, Beauty and Biblical Interpretation*. England: University of Nottingham.
- Emir, O. (1999). *Architectural Reflections Of The Political Thresholds During Interwar Years*. Izmir Institute Of Technology.
- Neisser, u. (1967). *Cognitive Psychology*. Englewood cliffs, nj.
- Pollard, J. (1998). *The Fascist Experience In Italy*. Taylor And Francis e-Library.
- USCCB. (2007). *Sing To The Lord: Music In Divine Worship*. United States Conference Of Catholic Bishops.
- Vernikos, Fr. (2013). *The Meaning Of The Use Of The Candle, The Incense And The Vigil Oil Lamp*. Paracletos Greek Orthodox Monastery.